شهرآرا
اشنبه
۱۷ مهر ۱۴۰۱
۱۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۴
شماره ۳۷۷۸
SHAHRARANEWS.IR

باقیات الصالحات مؤید

رضا سلیمان‌نوری
خراسان‌پژوه و مدیر مکتب بافت

بی‌شک آرزوی هر انسانی است که وقتی از این جهان به‌سرای بقا هجرت می‌کند، دیگر مردم از او به نیکی یاد کنند. البته تحقق این مهم خود با عملی کردن دو اصل در طول زندگی هر فرد محقق می‌شود. نخست نیک رفتاری با دیگران و نیک گفتاری در همراهی با آنان و سپس به یادگار گذاشتن مواردی که خود باعث عاقبت به خیری خواستن از سوی دیگران پس از سفر ابدی او شود. مورد نخست که مشخص است و به رفتار و کردار مستقیم فرد با دیگران برمی‌گردد، اما درباره آنچه فرد از خود به یادگار می‌گذارد، باید گفت که این امر یا فرزند صالح است یا آثاری که رهگشای دیگران بوده است و مردم هنگام استفاده از این آثار در اصطلاح عامه فاتحه‌ای نثار روح بانی و پدیدآورنده آن کنند. سیدرضا مؤید خراسانی، شاعر آیینی برجسته معاصر، نمونه بارز این گونه افراد است که چه هنگام زندگی و چه تا سال‌های سال پس از فوتش از او به نیکی نام برده شده است و خواهد شد. بی‌گمان خواهید گفت دلیل این پیش‌داوری درست در روز تدفین مرحوم مؤید چیست؟ در پاسخ باید بیان کنم که درباره بخش نخست یعنی آنچه در دوران هشتاد ساله عمر این بزرگ ذاکر مشهدی خاندان پاک نبوی(ص) گذشته است، کافی است رجوع کنیم به یکایک دوستان قدیم و جدید وی از همان دوران طفولیت تا بزرگ و کوچک اهل شعر و شاعری و ذکر و ذاکری و صد البته هیئتی‌های بزرگ و کوچک مشهد و خراسان و حتی ایران که حتی برای یک بار با او رویارویی داشته‌اند تا ببینیم همه در یک چیز متفق‌القول هستند و آن هم سادگی، صمیمیت، خلوص و یکرنگی مرحوم مؤید با بزرگ و کوچک مردم بوده است. خلوص و یکرنگی که هم در کردار و هم در گفتار وی عیان بود و بی‌تردید در پندار نیک و حق‌وی ریشه داشت.

درست به همین دلیل رهبر معظم انقلاب که اهل شعر و شاعری هستند و با ذاکران و مداحان الفتی دیرینه دارند، در پیام تسلیتشان به خانواده مرحوم مؤید لقب «شاعر آیینی با اخلاص» را برای توصیف وی استفاده می‌کنند.

اما درباره بخش دوم، یعنی باقیات صالحات برجامانده از آن ذاکر برجسته اهل بیت(ع)، نخست باید به اشعار برجامانده از ایشان اشارت کرد. اشعاری که بسیاری از آن‌ها در قالب کتاب‌های «گل‌های اشک»، «جلوه‌های رسالت»، «نغمه‌های ولایت»، «سفینه‌های نور» و «چکامه عشق» در دسترس عموم قرار گرفته است و بیشتر آنان نیز با استقبال ذاکران اهل بیت(ع) روبه‌رو شده‌اند، تا جایی که اغراق نیست اگر بگوییم در هیچ محرم و صفر و فاطمیه‌ای نیست که مرثیه‌های مرحوم مؤید در هیئت‌های بزرگ و کوچک شهرهای مختلف ایران از خراسان تا خوزستان و از آذربایجان تا کرمان قرائت نشود و عاشقان اهل بیت(ع) با شنیدن آن‌ها نوحه‌سرایی نکنند. صد البته که همین امر درباره روزهای جشنی مانند غدیر و مبعث و ولادت امام رضا(ع) هم صدق می‌کند و مداحان در این روزها از اشعار وی برای شاد کردن دل دوستداران اهل بیت(ع) نهایت استفاده را می‌کنند. با توجه به اینکه هنوز پس از قرن‌ها اشعار محتشم و پس از سال‌ها اشعار آذر مورد اقبال مردم است و برخی اشعار مؤید هم آنچنان دل‌نشین است که بدون شنیدن آن‌ها از زبان مرثیه‌خوان یا مداح، انسان فکر می‌کند مجلس کامل نشده است، می‌توان مدعی شد تا سال‌های سال در مجالس عزا و شادی اهل بیت(ع) نام و یاد سیدرضا مؤید زنده است. بدین گونه برای او آرزوی همه انسان‌ها یعنی ذکر نام نیک پس از هجرت به سرای باقی تا سال‌های سال محقق خواهد شد.

این گفته‌ها شاید از منظر برخی غلو بیاید، اما شعر مؤید به دلیل سادگی و بی‌پیرایگی به راحتی با عموم مخاطبان ارتباط برقرار می‌کند.

او به دور از اصطلاح‌های عرفانی، حکمی و فلسفی، با زبانی شیوا و روان شعر می‌گفت و سروده‌هایش از باورهای ولایی‌اش می‌جوشید. مخاطب شعر مؤید، توده مردم بودند. او شاعری از مردم بود که برای مردم می‌سرود و با سروده‌هایش به خوبی توانست خلائی با عنوان شعر قابل فهم توده‌های مردم را برطرف کند. مؤید با شعرهایش در بزنگاه‌های مختلف مذهبی، سیاسی، دفاع مقدس و انقلاب حضور پررنگی داشت و یکی از صداهای رسای شعر ارزشی این روزگار بود. به همین دلیل هم به شدت مورد پذیرش مردم بود و حضور تعداد قابل توجهی از مردم در مراسم تشییعش آن هم در حالی که حداقل اطلاع‌رسانی ممکن شده بود، گواهی دیگر بر این مدعاست.

البته مرحوم مؤید بزرگ باقیات صالحات دیگری هم از خود برجا گذاشته و آن فرزندش سیدحسین مؤید است که در راه پدر گام نهاده است و با استفاده از گفتمان امروز جامعه در راه زنده نگهداشتن یاد پدر تلاش می‌کند.

بی‌شک هرکس دکلمه‌های زیبای رضوی و حسینی این پسر را بشنود، بر روان پدر بزرگوارش درود خواهد فرستاد و بدین گونه آنچه مؤید بزرگ آرزویش بود، یعنی محبوبیت بین مردم و مقبولیت بین اهل بیت(ع)، بی‌گمان محقق خواهد شد.

تشییع روایت‌ها

درباره سیدرضا مؤید، بدیع‌الزمان فروزانفر، حاج مهدی حلب و دیگرانی که از یادشان برده‌ایم

مسعود نبی دوست
روزنامه نگار

یک- ته یکی از کوچه پس کوچه‌های «هاتف» که حالا به رفتن یادم مانده و به آدرس دادن نه، وسط‌های دهه اول محرم، یکی دو ساعتی مهمان «حاج‌مهدی حلب» بودم، پیرمرد روضه‌های جمع و جور اطراف حرم که یکم فروردین ۱۳۲۳، پنجاه متری تکیه علی اکبری‌های نوغان به دنیا آمده و همه روز و روزگارش را هم همان جا گذرانده است. یکی دو ساعتی گپ زدیم، به قدر زمانی که حاجی تا روضه سر ظهرش وقت داشت. این قدر بود که حکایت تکیه علی اکبری‌های قبل تخریب، گل کاری طبرسی و کوچه اسرارآمیز سیابون و یاد سیدمحمود کُرمی و غلامحسین پشمی و ماشاا... نوروز وسط بیاید. خیلی امانه. حافظه حاجی لابه‌لای شش هفت دفتر شعر و کلی آواونوای نوحه، معدود جزئیاتی را از آدم‌ها و ماجراهای قدیم نگه داشته بود و لابد باید پانزده بیست سالی جلوتر سراغش را می‌گرفتیم که نگرفتیم.

دو- با خبر درگذشت «سیدرضا مؤید» که همین یکی دو روز پیش پخش شد، ذهن من یکی اول رفت پی اینکه بگردم ببینم چند گفت‌وگوی مفصل و پرخاطره از حاجی مانده است. ذهنم رفت دنبال اینکه از نسل اکبرزاده و کُرمی و حسین‌زاده و مرشد قاسم و مؤید، چند نفر دیگر مانده‌اند. پی اینکه آیا حالا قرار است روایت‌های حاجی را هم همراهش تشییع کنیم یا این‌ها یک جایی برای ما و مشهد خواهند ماند.

سه- خیلی نمی‌گذرد از گفت‌وگوی اخیرمان با «سیدجعفر ماه‌رخسار». سید در نیم‌ساعت چهل دقیقه‌ای که گپ‌زده بودیم، گفت: «بس نیست برای یک گفت‌وگو؟ خوبه دیگه، نه؟» گفتم: «نه. اگه الان حوصله‌تون سر رفته، بندازیم یه قرار دیگه، ولی کافی نیست...» و بعد لابه‌لای بی‌حوصلگی سید از طول و تفصیل جلسه، خاطرش را جمع کردم که هنوز چهار پنج جلسه‌ای کار داریم تا ته‌ته گفت‌وگو. گفتم: «هشت نه سال پیش، وسط گپ‌وگپم با حاجی اکبرزاده خدابیامرز، یک آدم خیردیده‌ای دوربین لکنته‌اش را روشن کرد و گذاشت روبه‌روی حاجی. قرار بود گپ بزنیم درباره هیئت و روضه‌های مشهد، ولی نمی‌دونم چی شد که ذکر «شاه حسین علم‌کش» وسط آمد و سیدمحمود کُرمی. حاجی یادش آمد از روزی که حسن اردکانی، عموی ته‌خیابان، پرچم «خدا، شاه، میهن» هیئتش را آورده بود بازار و سیدمحمود دست انداخته بود و میله پرچم را لادا داده بود...» از «سیدجعفر ماه‌رخسار» پرسیدم: «اگه نبود همون دوربین لکنته که موقع زوم و زوم یک هم‌قرقر صدا می‌داد، حالا کی این چیزها یادش می‌آمد؟»

چهار- استاد محمدرضا شفیعی کدکنی یک جایی وسط مقاله «ظرفیت و ظرافت یک انسان» از حافظه کم ما ایرانی‌ها می‌گوید و اینکه حتی یک پرونده استخدامی و برگه امتحانی از بدیع‌الزمان فروزانفر و ملک‌الشعرای بهار در هیچ کجای آرشیو دانشگاه‌هایمان نمانده است، ولی آن ورآب از دهه ۱۹۳۰، شعر شاعر آلمانی و اسپانیایی را با خوانش خودش در آرشیو صوتی نگه داشته‌اند. درگذشت سیدرضا مؤید من را یاد این مقاله انداخت، یاد حرف حاج مهدی حلب که می‌گفت «مامی رفتیم دروازه قوچان، دم علافی حاجی آذر، سبک می‌گرفتیم برای خواندن نوحه، همین شاه‌دم را، زنگ شتری را، ترانه هندی را....» فکر می‌کنم به اینکه حالا چه کسی یادش مانده که شاه‌دم و زنگ شتری چه بوده است اصلا. اصلا چند تا آدم در این شهر حاجی آذر را می‌شناسند؟ فکر می‌کنم به تشییع روایت‌ها، نواها، مزه‌ها و....

عکس: محسن بخشنده شهرآرا

مروری بر دیدگاه سیدرضا مؤید درباره شعر و مداحی اثرگذار

شعر ماندگار به دغدغه روز مردم می‌پردازد

گروه فرهنگ و ادبیات

یادبود

سیدرضا مؤید خراسانی به اشعار آیینی‌اش شهره بود، اما علاوه بر آن مداح هم بود. این هر دو وجهه کاری او باعث می‌شد نقد و نظرش به شعر آیینی و برخی مداحی‌ها بی‌واسطه از نزدیک و با درک زیر و بم آن‌ها باشد.

او معتقد بود رابطه شاعر و مداح باید با هم خوب باشد و این دو مکمل کار یکدیگرند: «شاعر شمشیر می‌سازد که بدهد دست شمشیرزن. اگر شمشیرزن نباشد، شمشیرهایش زنگ می‌زند. البته شمشیرزن هم اگر ابزاری در دستش نباشد، نمی‌تواند کاری بکند. این‌ها لازم و ملزوم هم هستند.

شاعر باید ابزار بسازد و این مداح است که باید بداند از چه سلاحی و کجا استفاده کند. یک بار نوحه می‌خواند، شعر راسته می‌خواند، شور بخواند، مناسب حال مستمع بخواند، این دیگر به مداح بستگی دارد.»

این شاعر آیینی نقدهایی جدی به مداحی‌هایی که صرفا شور تزریق می‌کنند هم دارد و در گفت‌وگویی با مجله «خیمه» در نقد برخی جریان‌های مداحی صریح و بی‌پرده گفته است: «معلوم است که این نوع عزاداری غلط است و این شیوه مدنظر اهل بیت(ع) نیست. این را صریحا عرض می‌کنم و الان هم طوری شده است که جوانان، چون شور و عاطفه جوانی دارند، هرچه پرشورتر باشند، برای ایشان جذاب‌تر است. مثال عرض کنم، شما دوستی دارید در جایی صحبت از او می‌شود، هرچه این دوستتان را بالاتر ببرند، شما خوش‌حال‌تر می‌شوید.

این است که در مقابل این جوان هیئتی بگویند امام حسین(ع) نعوذ با... خدا است، شاید او خوش‌حال‌تر می‌شود! ما باید بتوانیم در خلال این نوحه‌خوانی‌ها، معرفت به اهل بیت(ع) را ضمیمه کنیم که این کار خیلی مشکل است و متأسفانه بعضی از این جوان‌ها و مداح‌های امروزی به این اصول پایبند نیستند.

ما باید آن‌ها را سوق بدهیم به طرف معرفت ا...، معرفت ائمه و پیغمبر و برای او نوحه و عزاداری و شعر واقعی را معرفی کنیم و بخوانیم، چون بعضی از این‌ها معرفت کاملی ندارند، نه آن شاعری که شعر می‌سراید نه خواننده‌ای که آن را می‌خواند! بعد ناگهان می‌رسد به قله‌ای که برگشتش برای آن‌ها محال است، یعنی باور کرده‌اند این را که می‌خوانند. الان هم جوری شده است که کمتر کسی حریف این‌ها می‌شود، مگر آقایانی که خودشان مبتکر این وضعیت بودند. جایی صحبت شد، عرض کردیم شما که این راه را شروع کردید، خودتان خاتمه‌اش بدهید، خودشان هم درشرش مانده‌اند. البته اوایل شاید نظرشان این نبود که بخواهند شور و هیجان را در مردم ایجاد کنند که سینه‌زنی عزاداری سنتی از بین برود. خواستند یک ظرف نوینی را ارائه کنند، ولی خوب حال به اینجا رسید... این کلا مدنظر ائمه و علمای ما نیست؛ پیشکسوت‌های ما مخالف‌اند با این برنامه. امام صادق(ع) یا حضرت رضا(ع) یا ائمه دیگر، شعر او مداح‌ها را ارج می‌گذاشتند برای اینکه مدایح و فضایل اهل بیت(ع) خوانده شود، از مظلومیت اهل بیت(ع)، از ظلم ظالمان و سردمداران زمان حکومت آن‌ها گفته شود.

این‌ها را آن شاعر دم می‌زند و ائمه هم او را تشویق می‌کنند! نه به خاطر اینکه یک جمله را چهل بار، صد بار یا کمتر و بیشتر تکرار کنند، نه حرفی از فضیلت است، نه حرفی از مظلومیت است، نه حرفی از مدح و مصیبت و منقبت است.»

اما انتقاد مؤید خراسانی فقط به مداحی‌ها و مداحان نبود و توجه به ایجاد شور و هیجان صرف در شعر را نیز نامناسب می‌دانست و معتقد بود شعری که دغدغه روز مردم را نداشته باشد، کم‌اثر است و زمزمه مردم نخواهد شد. سال ۱۳۹۶ در مصاحبه‌ای با مجله «زائر» در این باره گفته بود: «این موضوع بر همگان آشکار است که گاهی تأثیر یک بیت شعر از یک کتاب بیشتر است. از این رو برای تداوم جریان شعر آیینی در میان مردم و همچنین استقبال بیشتر و وارد شدن این گونه از شعر در بطن زندگانی افراد، باید شاعران انگیزه‌ها و اهداف خود را مشخص کنند. گروهی از شاعران صرفا در راستای ایجاد شور و هیجان در میان محبان اهل البیت(ع) چه در میلاد و چه به‌ویژه در مراسم عزاداری آن بزرگواران مانند ایام محرم و صفر به سرایش می‌پردازند، اما گروهی دیگر علاوه بر این موضوع به بیان مسائل روز و دغدغه افراد جامعه در اشعار خود اشاره می‌کنند. با این حال، بهترین حالت برای ماندگاری یک شعر در میان همه اقشار، ادغام این دو موضوع با یکدیگر است. بدان معنا که علاوه بر پرداختن به سیره ائمه اطهار(ع) به موضوعات روز نیز پرداخته شود.»

مراسم رونمایی از دیوان استاد موید

یادداشت

این گوشه را به وسعت دنیا نمی‌دهم

روایتی از شعرخواهی سیدرضا مؤید در اتاق اشک

امید حسینی نژاد
روزنامه نگار

«آقا ببخشید! اتاق اشک کجاست؟» این سؤال یک زائر از من که در لباس خدمت در یکی از صحن‌های حرم امام رضا(ع) حضور داشتم، خاطرات زیادی را برایم زنده کرد.

وقتی دانش‌آموز دبیرستانی بودم، روزی یکی از دوستانم گفت: «می‌آی امروز بریم اتاق اشک؟» گفتم: «اتاق اشک کجاست؟»

این سؤال ساده سبب شد برای نخستین بار در فضایی حضور پیدا کنم که شیرینی آن هنوز در خاطرم ماندگار شده است. بعد از نماز ظهر همراه با دوستم به اتاقی که در بست شیخ بهایی قرار داشت، رفتیم؛ فضایی کوچک که تحمل جمعیت زیادی از مشتاقانی را که برای شنیدن روضه اهل بیت(ع) در آنجا حضور پیدا می‌کردند، نداشت. در همان دقیقه‌های ابتدایی ظرفیت تکمیل شد و بقیه مردم جلو در ایستاده بودند. یکی از مداحان شروع به خواندن ابیاتی در مرثیه سیدالشهدا(ع) کرد.

لحظاتی بعد مردمی که جلو در نشسته بودند، ایستادند. انگار برای ادای احترام به فردی بزرگ بلند شدند. پیرمردی با مو و محاسن سفید وارد شد. دوستم گفت: «حاج رضا مؤید رو می‌شناسی؟» اما پاسخی برای این سؤال نداشتم. آن روز اولین باری بود که با شاعر بزرگ و خوش قریحه مشهدی آشنا شدم. لحظه‌شماری می‌کردم تا او نیز لحظاتی برای ما بخواند.

پس از گذشت چند دقیقه با صدایی گرم ابیاتی را زمزمه کرد:

اشکی بود مرا که به دنیا نمی‌دهم / این است گوهری که به دریا نمی‌دهم

گر لحظه‌ای وصال حبیبم شود نصیب / آن لحظه را به عمر گوارا نمی‌دهم

عمری بود که گوشه نشین محبتم / این گوشه را به وسعت دنیا نمی‌دهم

در سینه‌ام جمال علی(ع) نقش بسته است / این سینه را به سینه سینا نمی‌دهم

ولوله‌ای در جمعیت افتاد. صدای ناله حضار بلند شده بود. اشک از دیدگان همه جاری بود. با وجود اینکه این شاعر سینه سوخته اهل بیت(ع) دکلمه وار این اشعار را می‌خواند، چنان جمعیت را به خود جذب کرد که برای من تأمل برانگیز بود.

حاج رضا با صدایی شکسته و اشکی جاری ادامه داد:

گر مهر و ماه را به دو دستم نهد قضا / یک ذره از محبت زهرا(س) نمی‌دهم

امروز بزم ماتم زهرا(س) بهشت ماست / این نقد را به نسیه فردا نمی‌دهم

آن روز لباس خادمی امام رئوف بر تن این شاعر خوش قریحه بود. انگار بیت آخر این شعر را از عمق وجودش خواند که:

در سایه رضایم و همسایه رضا(ع) / این سایه را به سایه طوبی نمی‌دهم

روزها و هفته‌های بعد سعی می‌کردم هرطور شده است خودم را به اتاق اشک برسانم، آن هم برای شنیدن اشعار سوزان استاد حاج رضا مؤید خراسانی. چشمه جوشان شعر حاج رضا تا آخر عمر غلیان می‌کرد. در دوران دفاع مقدس او برای مراسم تشییع شهدای جنگ اشعاری می‌سرود و در این مراسم می‌خواند.

رهبر معظم انقلاب در یکی از بیاناتشان گفتند: «به برخی موضوعات در شعرهای آیینی کم پرداخته می‌شود، از جمله موضوعات مربوط به مسائل انقلاب، مسائل جنگ و دفاع مقدس. البته در یک دوره‌ای خیلی خوب بود.

همین آقای مؤید در زمان جنگ و وقتی جنازه‌های شهدا را به مشهد می‌آوردند، شاید هر روزی یا هر چند روزی یک غزل می‌گفت و مداح‌ها این‌ها را می‌خواندند.»

شهریور ماه سال قبل بنیاد دعبل خزاعی دیوان مرحوم حاج رضا مؤید خراسانی را منتشر کرد. این دیوان ۱۹۰۳ صفحه‌ای حاوی همه اشعار این شاعر آیینی است که در سه جلد به‌صورتی نفیس به زیور طبع آراسته شده است.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

جناب آقای.... مدیریت محترم شرکت.... باسلام و احترام موضوع: درخواست همکاری

چند نکته درباره نامه‌نگاری اداری

وقتی نامه با نام گیرنده شروع می‌شود، باید سمت فرد نوشته شود نه جایگاه او؛ بنابراین، مدیر محترم شرکت درست است.

#زین_قند_پارسی